

## نگاهی به زندگی و آثار زنده‌یاد دکتر اکبر نحوی

اگر مرگ داد است بیداد چیست؟

ز داد این همه بانگ و فریاد چیست؟

(فردوسی)

دوست نازنین من در شامگاه چهارشنبه هجدهم آذرماه ۱۴۰۰، به‌ناگاه در خواب، قلبش از تپش بازماند و از این خواب به خواب ابدی رفت. در این زمانه ناسازگار، با ناهم‌رسان گریزپای، زمانی که ناامیدی مطلق بر سرت آوار می‌شود و در مرز میان بودن و نبودن — مات و مبهوت در ایستاده‌ای، به یاد می‌آوری دوستانی هم هستند دلسوز و مهربان، هرچند اندک؛ رفیق نازنینی هم هست که تو را از لبه پرتگاه دور می‌کند. دکتر نحوی برای من، در وهله نخست، دوست مهربانی بود بس شریف و بزرگواری؛ رفیقی باوفا و فروتن و دلسوز و، از آن سو، استادی فاضل و بی‌بدیل و به‌راستی دانشجو‌پرور، با دقتی ستودنی در کار پژوهش. دانشجویانش می‌گویند استاد زنده‌یاد، در کار تدریس، تعهد و مسئولیتی وصف‌ناپذیر داشت؛ و من با شناختی که از او دارم بر این باورم که او، در میان استادان زبان و ادبیات فارسی در سراسر دانشگاه‌های کشور، «یگانه بود و هیچ کم نداشت».

زنده‌یاد دکتر نحوی در پنجم آبان‌ماه ۱۳۳۴ در خانواده‌ای مذهبی و متوسط در قم چشم به جهان گشود و فرزند دوم خانواده بود. در ۱۳۴۰ وارد مدرسه ابتدایی ملی سعدی قم شد و، پس از اخذ مدرک ششم ابتدایی در ۱۳۴۶، در دبیرستان حکمت قم به ادامه تحصیل پرداخت و تا کلاس یازدهم همان‌جا درس خواند ولی، به‌دلیل انحلال این دبیرستان، تحصیلات خود را در دبیرستان صدوق قم ادامه داد و در ۱۳۵۳ در رشته علوم طبیعی دیپلم گرفت. پس از اخذ دیپلم،

در همان سال (۱۳۵۳) به خدمت سربازی رفت و، پس از گذراندن دوره آموزشی با عنوان «سپاه دانش»، در روستای هُلُق (از توابع شهرستان مرند) به تدریس در مدرسه ابتدایی مشغول شد. پس از پایان خدمت سربازی، در ۱۳۵۵ وارد مرکز تربیت معلم شهر ری شد و سال بعد (۱۳۵۶) در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته‌های ادبیات فارسی و رادیولوژی پذیرفته شد ولی، به دلیل علاقه بسیار به ادبیات فارسی، در ۱۳۵۷ در همین رشته در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز تحصیلات عالی خود را آغاز کرد؛ اما پس از گذراندن یک سال از دوره کارشناسی، هم‌زمان با تعطیلی دانشگاه در ماجرای انقلاب فرهنگی، به ناچار به قم بازگشت و در یکی از کارخانه‌های قم مشغول به کار شد. پس از انقلاب فرهنگی به شیراز بازگشت و به تحصیل خود ادامه داد. در ۱۳۶۵ مدرک کارشناسی گرفت و در ۱۳۶۹ از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان لغت‌های ضبط‌نشده در فرهنگ‌های فارسی دفاع کرد و در همین سال در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز عضو هیئت علمی شد. سرانجام در ۱۳۷۹ از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان تصحیح برزنامه دفاع کرد و مدرک دکتری گرفت و، تا واپسین روزهای زندگی پربار خود، در مقام استادی همان دانشگاه به تدریس و تحقیق پرداخت. افزون بر دانشگاه شیراز، مدتی در مؤسسه آموزش عالی حافظ شیراز (۱۳۹۶) و سازمان اسناد و کتابخانه ملی فارس (۱۳۹۷) نیز تدریس می‌کرد. در سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی بود و در هیئت تحریریه چند مجله علمی-پژوهشی، از جمله شعرپژوهی (دانشگاه شیراز) و مجله ادبیات عامه (دانشگاه یاسوج) عضویت داشت. نحوی در دوم بهمن ماه ۱۳۹۵، به‌عنوان نماینده شایسته‌ای از دیار ادب‌پرور شیراز، به عضویت وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد. همچنین، در ششمین عصر کتاب ایران در فارس، از «مفاخر فرهنگ و ادب استان فارس» شناخته شد.

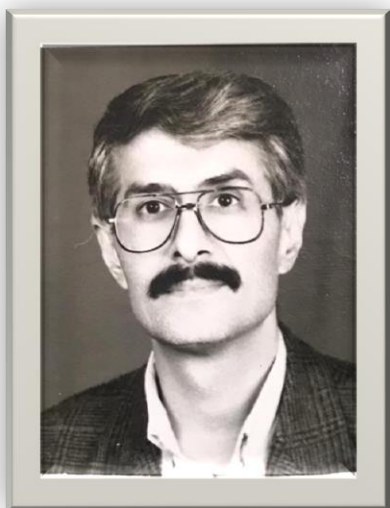
دکتر نحوی در شهریور ۱۳۷۲ ازدواج کرد و دو پسر به نام‌های رامین و آرمین از او به یادگار مانده‌است.

سرانجام، در هجدهم آذرماه ۱۴۰۰، به ملکوت پرکشید و در آرامستان باغ بهشت در قم به خاک سپرده شد.

با حضور دکتر نحوی در فرهنگستان، روابط ما بیشتر و بیشتر شد. روزهایی که در فرهنگستان جلسه داشت، از شیراز یک‌راست به دفتر من می‌آمد. پیش از جلسه زمان مناسبی بود برای گپ‌های شاهنامه‌ای و پس از جلسه هم، تا پاسی از عصر که به شیراز پرواز می‌کرد، در باب شاهنامه یکریز حرف می‌زدیم. هم او نتایج حاصل از خوانش‌ها و پژوهش‌های جدید خود را از شاهنامه با من در میان می‌گذاشت و هم من.

دکتر نحوی، افزون بر سال‌ها تدریس در دانشگاه شیراز، در امر پژوهش نیز کارنامه درخشانی

دارد. در کارنامه پژوهشی او، نه کتاب و شصت مقاله عالمانه و روشمندانانه و نقد کتاب دیده می‌شود. بیشتر کتاب‌های او در حوزه تصحیح انتقادی متون کهن زبان فارسی و شاهنامه و ادب حماسی است و همه آن‌ها، به‌ویژه دو کتاب ارجمند برزنامه کهن و مجمل التواریخ و القصص، می‌تواند الگوی دانشجویان و پژوهندگان در زمینه تصحیح انتقادی متون باشد. در همه مقالات او حتماً نکته‌ای نو می‌توان یافت و یکی از ویژگی‌های مهم مقاله‌های او این است که نویسنده در زمینه مورد بحث خود، به اندازه‌ای که موضوع اقتضا می‌کند، داد سخن می‌دهد. بارها دیده‌ایم بسیاری از پژوهندگان، پیش از ورود به بحث اصلی، فصل مشبعی می‌نویسند از زمان



حضرت آدم تا زمان رویدادی که موضع مورد بحث در آن اتفاق می‌افتد؛ اما دکتر نحوی، بعد از نوشتن چند سطر و طرح موضوع، یک‌راست به قلب مطلب می‌زند و شواهد و استدلال‌ها و نتایج حاصل از پژوهش خود را در کمترین حجم عرضه می‌دارد. برای نمونه، در مقاله «ملاحظاتی درباره فرامرزنامه و سراینده آن»، فقط چند سطر به فرامرز اختصاص داده و برای نخستین بار نظر تازه‌ای درباره نام سراینده فرامرزنامه کوچک و نام ممدوح او و طبعاً زمان سرایش آن پرداخته است. استدلال‌ها و شواهد دکتر نحوی در این جستار چنان قانع‌کننده بود که پژوهندگان این حوزه از جمله نگارنده این

سطور در پذیرفتن آن تردید نکردند؛ تا آنجا که نگارنده و همکارم، در تصحیح و انتشار این منظومه پهلوانی، نام سراینده (رفیع‌الدین مرزبان فارسی) و زمان سرایش پیشنهاد شده از سوی دکتر نحوی را بر پیشانی کتاب درج کردیم.

علاقه‌مندان شاهنامه<sup>۱</sup> نیک می‌دانند که، در این کتاب ارجمند، بیت‌های دشوار و دیریاب اندک نیست و یکی از علاقه‌مندی‌های دکتر نحوی این بود که به‌گفته خودش روزان و شبان برای گره‌گشایی از دشواری‌های این بیت‌ها زمان سپری کند و گاهی گره بگشاید و گاهی هم نه. وقتی

۱. در ارجاع به شاهنامه از این چاپ استفاده شده است: فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، به‌کوشش جلال خالقی مطلق، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۸۶.

از شیراز می‌آمد، خودش یک‌راست می‌رفت سراغ شاهنامه‌ها در قفسه‌های کتاب‌ها در اتاق من و چند جلد را روی میز پهن می‌کرد و، در همان حال می‌گفتم: «باز چی کشف کردی رفیق؟». پژوهش تازه‌اش را کامل و دقیق توضیح می‌داد و، با لحنی که از تردیدهای همیشگی‌اش نشان داشت، درحالی‌که سیگارش را آتش می‌زد، نظر مرا می‌پرسید. در بسیاری موارد، از دریچه‌ای به بیت‌ها نگاه می‌کرد که نه من و نه شارحان شاهنامه هرگز به ذهنشان نرسیده بود. آخرین بار، این بیت از داستان فریدون را مطرح کرد (نک. مقاله «درنگی در دو بیت شاهنامه» در نامه فرهنگستان، ش ۶۶، ص ۴۰-۳۱) که، بنا بر داستان، سلم و تور برای کشتن ایرج به سراپرده او می‌روند:

برفتند هر دو گرازان ز جای نهادند سر سوی پرده‌سرای

(فردوسی، ج ۱، ص ۱۱۹، بیت ۴۷۵)

دکتر نحوی، با انبوهی شواهد از متون فارسی و عربی و حتی روایاتی از مورخان یونانی چون گزنفون، نشان داد که مصراع اول این بیت در اصل چنین بوده است: «برفتند با شمع‌یاران ز جای»؛ و توضیح داد که در دربارها آیین ویژه‌ای بود که، بنا بر آن، کسانی وظیفه داشتند پیشاپیش پادشاه آتشدان یا شمع حمل کنند، و برای تأیید نظر خود، این بیت را هم از داستان جنگ بزرگ کیخسرو آورد:

برفتند با شمع‌داران<sup>۲</sup> ز پیش دلی شاد و خرم به ایوان خویش

(همان، ج ۴، ص ۲۸۵، بیت ۱۷۸۶)

دکتر نحوی، پس از اتمام سخن، نگاهی به من افکند و منتظر ماند که نظرم را بگویم و من هم کف دستم را محکم روی میز کوفتم و گفتم: «دکتر، مستقیم زدی به خال!». درحالی‌که برق شادی کودکانه‌ای در نگاهش موج می‌زد، گفت: «واقعاً؟».

زمانی که بیمار شدم، مرتب تلفن می‌زد و، با فروتنی و شکسته‌نفسی بیرون از حدی که همگان در او سراغ دارند، مهربانانه می‌گفت: «اجازه بده تا در کارهای تحقیقی کمکت کنم!». هنوز باورم نمی‌شود که دست سرنوشت ناگهان از کمینگاه خود سربرآورد و رفیق نازنین ما را در میانه راه زندگی، آن‌هم در اوج پختگی در آموزش و پژوهش، بر باید. دریغ‌دریغ و افسوس و صد افسوس! هنوز سال‌ها می‌توانست راهنمای دانشجویان باشد، راهنمای رساله‌هایشان و پژوهش‌هایشان؛ و خود نیز هنوز می‌توانست پژوهش‌های ارزشمند و ناب، به‌ویژه در حوزه ادبیات حماسی، که بیشترین علاقه او را تشکیل می‌داد، برای نسل‌های آینده به یادگار بگذارد. چه بگویم؟! جز آنکه آرزو کنم روشن‌روان حضرت دوست آرام یابد به دیگر سرای.

### آثار (از جدید به قدیم)

#### کتابها

- نقش خیال (بیست مقاله تاریخی و ادبی)، اکبر نحوی، انتشارات دکتر محمود افشار؛ با همکاری سخن، تهران [زیر چاپ].
- مکتبی شیرازی، اکبر نحوی، قلمکده، شیراز ۱۴۰۰.
- مُجمل التواریخ و القصص، به کوشش اکبر نحوی، انتشارات دکتر محمود افشار؛ با همکاری سخن، تهران ۱۳۹۹.
- آیین دبیری، محمّد بن عبدالخالق میهنی، به کوشش اکبر نحوی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۹۱.
- شیرازنامه، احمد بن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی، تصحیح اکبر نحوی، دانشنامه فارس، شیراز ۱۳۹۰.
- رودکی، اکبر نحوی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی (از مجموعه «از ایران چه می‌دانیم؟» شماره ۱۴۴)، تهران ۱۳۸۸.
- برزوانه (بخش کهن)، سروده شمس‌الدین محمّد کوسج، تصحیح اکبر نحوی، میراث مکتوب، تهران ۱۳۸۷.
- پهلوان شنگانی (تلخیص و بازنویسی برزوانه اثر نویسنده‌ای ناشناخته)، تصحیح اکبر نحوی، زیر نظر اکبر ایرانی و علیرضا مختارپور، اهل قلم، تهران ۱۳۸۴.

#### مقالات و نقدها (مجلّات، جشن‌نامه‌ها، یادنامه‌ها، دانشنامه‌ها، مصاحبه)

- «خسر و پرویز»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ذیل ۲، به سرپرستی مسعود جعفری جزّی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران [زیر چاپ].
- «درنگی در چند بیت شاهنامه»، در جشن‌نامه سیروس شمیسا، به کوشش یاسر دالوند، کتاب سده، تهران ۱۳۹۸.
- «منظومه سعد و همایون» (گوشه‌هایی از فرهنگ مردم شیراز در قرن هشتم)، فصلنامه پارس، ۱۳۹۸.
- «درنگی در دو بیت شاهنامه»، نامه فرهنگستان، دوره هفدهم، ش ۲ (پیاپی ۶۶)، زمستان ۱۳۹۷.
- «دربارۀ دو واژه کمیاب شاهنامه (یادگار، سِنَد)»، جُستارهای نوین ادبی، ش ۲۰۰، بهار ۱۳۹۷.
- «دو نکته درباره ابوسهل زوزنی»، در دیهیم هفتاد (مهرنامه استاد محمّد جعفر یاحقی)، به خواستاری و اشراف محمود فتوحی رودمَعجَنی، به کوشش سلمان ساکت و اصغر ارشاد سرابی، سخن، تهران ۱۳۹۷.
- «چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیرانی)»، گزارش میراث، ش ۸۴ و ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

- «تأملی دیگر در معنی ترکیب دست‌کش»، در رستگار منصور (ارج‌نامه منصور رستگار فسایی)، به‌کوشش امیر مهربانی، نوید شیراز؛ با همکاری قطب علمی بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و مرکز حافظ‌شناسی، شیراز ۱۳۹۶.
- «یادداشتی بر تاریخ بیهقی: ماجرای حج حسنک»، نامه فرهنگستان، دوره پانزدهم، ش ۳ (پیاپی ۵۹)، بهار ۱۳۹۵.
- «بررسی روابط خسرو پرویز با شهربراز براساس منابع تاریخی و شاهنامه»، با همکاری سمیه نبوی، شعرپژوهی (بوستان ادب سابق)، سال هشتم، ش ۴ (پیاپی ۳۰)، زمستان ۱۳۹۵.
- «ملاحظاتی درباره منظومه بهمن‌نامه»، با همکاری سارا رضاپور، پژوهش‌نامه ادب حماسی، سال یازدهم، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۴.
- «آدینه هر مزد بهمن» (بررسی گاه‌شماری بیتی از شاهنامه)، نامه فرهنگستان، دوره پانزدهم، ش ۲ (پیاپی ۵۸)، زمستان ۱۳۹۴.
- «پژوهشی نو درباره هجونا‌مه منسوب به فردوسی»، گزارش میراث، ش ۷۲ و ۷۳، آذر و اسفند ۱۳۹۴.
- «پژوهش‌های لغوی: دو ترکیب کمیاب در شاهنامه («کلاه عادی» و «زشت‌کام»)»، فرهنگ‌نویسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۸، مرداد ۱۳۹۳.
- «شاعران منطقه فارس در تذکره عرفات‌العاشقین»، ضمیمه آینه میراث، ش ۳۵، مرداد ۱۳۹۳.
- «درنگی در تذکره‌التواریخ»، آینه میراث، ش ۵۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- «آثار جم؛ یادگار جم»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «اخوت شیراز»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «آدمیت»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «آرین»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «الإسلام»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «استخر»، در دانشنامه مطبوعات ایران، ج ۱، به‌کوشش محمدجعفر محمدزاده، تهران ۱۳۹۳.
- «کوش‌نامه»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۵، به‌سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۳.
- «سیاوش و سودابه» (بررسی تطبیقی موارد مشابه در اساطیر و ادبیات ملل)، با همکاری علی امینی، شعرپژوهی (بوستان ادب سابق)، سال پنجم، ش ۱ (پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۹۲.
- «کاکوی یا کوش پیل‌دندان»، در مجموعه مقالات همایش هزاره شاهنامه (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، اردیبهشت ۱۳۹۰)، به‌کوشش محمدجعفر یاحقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۲.

- «گذشته ز سؤال ده با چهار» (تأملی در یک بیت تاریخ‌دار شاهنامه)، پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب سابق)، سال هشتم، ش ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
- «باید با نقد پنبه کتاب‌سازی را زد»، ضمیمه گزارش میراث، ش ۲، تیر ۱۳۹۱.
- «فرامرنامه»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۴، به سرپرستی اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۱.
- «بداية‌الذکرین امین‌الدین محمد بلیانی»، در مجموعه رساله‌های فارسی و عربی از دانشوران ایرانی، ج ۳، به کوشش جواد بشری، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۹۱.
- «ده دیو از فارسی میانه تا منظومه فرامرنامه»، با همکاری رضا غفوری، بوستان ادب، ش ۱۰، زمستان ۱۳۹۰.
- «نقد روایتی از چهارمقاله درباره زندگانی فردوسی»، جستارهای ادبی (ویژه‌نامه ادبیات حماسی و شاهنامه‌پژوهی)، ش ۱۷۴، پاییز ۱۳۹۰.
- «شفره رستم یا شفره رُستون؟» (بازخوانی یک واژه در یادگار زریران)، با همکاری عظیم جبار، نامه فرهنگستان، سال دوازدهم، ش ۱ (پیاپی ۴۵)، بهار ۱۳۹۰.
- «تاریخ، ادب و فرهنگ فارس و شیراز؛ از آغاز تا قرن نهم»، گفتگو با اکبر نحوی، فارس‌شناخت، ش ۲، بهار ۱۳۹۰.
- «بررسی مقایسه‌ای گونه‌های مختلف پرداخت یک حکایت در متون منثور صوفیانه فارسی تا ابتدای قرن هفتم»، با همکاری زرین تاج‌واردی و زهرا انصاری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۲۷، بهار ۱۳۸۹.
- «خسرونامه (گل و هرمز) از کیست؟»، جستارهای ادبی، سال چهل و سوم، ش ۱۶۹، تابستان ۱۳۸۹.
- «نابرابری سرگذشت مانی در شاهنامه فردوسی با پژوهش‌های تاریخی»، با همکاری رضا غفوری، بوستان ادب، سال دوم، ش ۳، بهار ۱۳۸۹.
- «بررسی ساختار متن در کشف‌المحجوب هجویری»، با همکاری ناهید دهقانی، بوستان ادب، ش ۶، زمستان ۱۳۸۹.
- «برخی از منابع فارسی کشف‌الأسرار»، در یادنامه ابوالفضل رشیدالدین میبدی (شامل مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت میبدی)، ج ۲، به کوشش مهدی ملک‌ثابت، انتشارات یزد، تهران ۱۳۸۹.
- «حماسه گیلگمش در بوتۀ نقدی نو»، با همکاری محمدحسین کرمی و محمود رضایی دشت‌ارژنه، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۸.

- «در آستانه تحقیق: بوسعیدی از دیار جنوب» (مقامه‌ای نویافته از عارفی وارسته اما گمنام متعلق به قرن هشتم هجری)، با همکاری رستم فتوت، آینه میراث، ش ۴۳، زمستان ۱۳۸۷.
- «یادداشت‌هایی بر تاریخ هرات»، نامه فرهنگستان، دوره دهم، ش ۳ (پیاپی ۳۹)، پاییز ۱۳۸۷.
- «نگاهی به ذیل فرهنگ‌های فارسی»، کتاب‌ماه ادبیات، ش ۱۱۵، اردیبهشت ۱۳۸۶.
- «آوازه سعدی در قرن هفتم»، سعدی‌شناسی، دفتر نهم، اردیبهشت ۱۳۸۵.
- «در باره چند نام عربی در شاهنامه (ضحاک، مرداس، جندل، سرو)»، در شاهنامه‌پژوهی، دفتر یکم، به‌کوشش محمدرضا راشد محصل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد ۱۳۸۵.
- «سرچشمه‌های برخی از حکایات سعدی»، با همکاری سعید قشقایی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، دوره جدید، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۴.
- «نگاهی به روش‌های ارجاع به منابع در شاهنامه»، نامه فرهنگستان، دوره هفتم، ش ۴ (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۳۸۴.
- «حیرت دمیده‌ام» (شرح بیتی از بیدل دهلوی)، با همکاری محمدرضا اکرمی، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۴۴، پاییز ۱۳۸۴.
- «صنعت دلّاله»، نشر دانش، ش ۱۱۲، تابستان ۱۳۸۴.
- «تجلی کاشانی»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج ۲، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
- «ترکی شیرازی»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی در شبه قاره، ج ۲، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
- «ابن جوزی گلستان»، در سعدی‌شناسی، دفتر هشتم، اردیبهشت ۱۳۸۴.
- «تاریخ‌نامه‌های فارس (از اوایل قرن پنجم تا میانه قرن هفتم)»، فارس‌شناخت، ش ۱، زمستان ۱۳۸۳.
- «ملاحظات در باره فرامرزنامه و سراینده آن»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره پنجاه و دوم، ش ۱۶۴، زمستان ۱۳۸۱.
- «ناگفته‌هایی در باره برزنامه»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره بیست و چهارم، ش ۱-۲ (پیاپی ۱۳۲-۱۳۳)، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
- «مگر این پنج روزه در ترازو»، در سعدی‌شناسی، دفتر چهارم، اردیبهشت ۱۳۸۰.
- «عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری»، در سعدی‌شناسی، دفتر چهارم، اردیبهشت ۱۳۸۰.
- «جان معنی»، کتاب‌ماه ادبیات و فلسفه، ش ۲۹ و ۳۰، فروردین ۱۳۷۹.



- «طبقات و تاریخ‌های فارس»، فصلنامه پارس، ش ۱۳-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۷۶.
- «حیدر شیرازی در مرآده با خواجه»، کتاب پاژ، ش ۱۱-۱۲، زمستان ۱۳۷۳.
- «نکته‌ای درباره مؤلف مُعْجَم شاهنامه»، کتاب پاژ، ش ۹، تابستان ۱۳۷۲.

ابوالفضل خطیبی

